



بررسی و مقایسه سازگاری زناشویی، شادکامی و میل به طلاق در ازدواج‌های سنتی و غیر سنتی شهر یزد

نویسندگان: ظهیرالدین فاریابی^۱، حسن زارعی محمودآبادی^۲

۱. نویسنده مسئول: کارشناس ارشد مشاوره دانشگاه علوم و تحقیقات یزد

تلفن تماس: ۰۹۱۳۲۵۳۶۹۶۵ Email: zahir2698@yahoo.com

۲. استادیار گروه مشاوره خانواده دانشگاه یزد

چکیده

مقدمه: سازگاری زناشویی، شادکامی و متغیر پیش بینی کننده میل به طلاق از جمله ویژگی‌های هستند که برای سنجش میزان موفقیت یک ازدواج کاربرد دارند از طرفی وجود دو سبک ازدواج سنتی و غیر سنتی و چالش موجود بین آنها در جامعه اهمیت مقایسه بین این دو سبک ازدواج را نشان می دهد لذا هدف این پژوهش مقایسه سازگاری زناشویی، شادکامی و میل به طلاق در ازدواج های سنتی و غیرسنتی شهر یزد بود.

روش بررسی: جامعه آماری این پژوهش را کلیه زوجین شهر یزد تشکیل می داد. نمونه پژوهش شامل ۲۴۰ نفر (۱۳۰ مورد ازدواج سنتی و ۱۱۰ مورد ازدواج غیر سنتی) بود که به روش نمونه گیری تصادفی خوشه ای انتخاب شدند. جهت گردآوری داده ها از پرسشنامه های سازگاری زناشویی لاک-والاس، شادکامی آکسفورد و میل به طلاق زارعی استفاده گردید. روش پژوهش حاضر از نوع غیر آزمایشی علی-مقایسه ای (پس رویدادی) بود و داده ها با استفاده از نرم افزار spss و آزمون آماری t مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته ها: نتایج نشان داد علی رغم تفاوت میانگین ها در شادکامی و سازگاری زناشویی بین زوجین با ازدواج سنتی و غیر سنتی (شادکامی بالاتر در ازدواج های غیرسنتی و سازگاری زناشویی بالاتر در ازدواج های سنتی) تفاوت معناداری بین آنها وجود ندارد ($p > 0/05$). ولی در مورد متغیر میل به طلاق نتایج نشان داد بطور معنی داری میل به طلاق در ازدواج های غیرسنتی بیشتر از سنتی می باشد ($p < 0/05$). همچنین از جهت عامل جنسیت؛ بین شادکامی، سازگاری زناشویی و میل به طلاق در بین زنان و مردانی که ازدواج سنتی داشته اند و شادکامی و میل به طلاق در بین زنان و مردانی که ازدواج غیر سنتی داشته اند تفاوت معنی داری وجود ندارد ($p > 0/05$). ولی سازگاری زناشویی در زنان و مردانی که ازدواج غیر سنتی داشته اند تفاوت معنی داری را نشان می دهد ($p > 0/05$) بطوریکه میزان سازگاری در مردان با ازدواج غیر سنتی بیشتر است.

نتیجه گیری: سبک ازدواج (سنتی یا غیر سنتی) می تواند در تعیین شادکامی، سازگاری زناشویی و میل به طلاق بر روی زوجین تاثیر بگذارد.

واژه های کلیدی: سازگاری زناشویی، شادکامی، میل به طلاق، ازدواج سنتی، ازدواج غیر سنتی

طلوع بهداشت

دو ماهنامه علمی پژوهشی

دانشکده بهداشت یزد

سال چهاردهم

شماره: سوم

مرداد و شهریور ۱۳۹۴

شماره مسلسل: ۵۱

تاریخ وصول: ۱۳۹۲/۱۰/۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۱۲/۴



مقدمه

زندگی زناشویی زن و مرد با ازدواج و تشکیل خانواده شروع می‌شود. ازدواج موهبتی بزرگ است و بعنوان مهمترین و عالی‌ترین رسم اجتماعی برای دستیابی به نیازهای عاطفی و امنیتی افراد بزرگسال و به منظور حفظ بقای نسل بشر همواره و از دیر باز مورد تاکید بوده است. شاید عمومی‌ترین اهداف زوجهای جوان را بتوان به این شرح خلاصه کرد: همبستگی، آزادگی، عشق و محبت، تشکیل خانواده، ارضاء میل جنسی، حفظ نسل و داشتن فرزند(۱).

دردهای اخیر ازدواج بصورت سنتی انجام می‌گرفت بدین صورت که خانواده پسر پس از انتخاب دختری که او را مناسب خانواده و پسر خود می‌دانستند پس از خواستگاری، او را به عقد و ازدواج فرزند خود در می‌آوردند. در این نوع ازدواج دختر و پسر شناختی از هم نداشته و از خصوصیات و رفتارهای درونی و شخصی فرد مورد نظرشان بی‌خبر بودند، با گذشت زمان و ورود فرهنگ کشورهای اروپایی، گونه دیگری از ازدواج که از آن به ازدواج غیر سنتی (مدرن) یاد می‌شود رواج یافت. در این نوع ازدواج دختر و پسر پس از آشنایی با یکدیگر (همکلاسی بودن، همکار بودن و...) یا دوستی و برقراری رابطه‌ی عاطفی پس از مدتی در صورت تفاهم و رضایت طرفین اقدام به ازدواج می‌کنند(۲)

بسیاری از مسائل و مشکلاتی که برای زوجین جوان پیش می‌آید ناشی از دوگانگی ازدواج‌ها در ایران است که بخشی از آن سنتی و بخشی مدرن است. بسیاری از جوانان، متقاضی ازدواج‌های غیرسنتی هستند. زیرا خود، همسرشان را انتخاب می‌کنند ولی

تنوع فرهنگی، ضعف شناخت از یکدیگر و صرفاً شناخت‌های ظاهری و تکیه کردن به یکسری از معیارهای کمی باعث شده است ازدواج‌های غیرسنتی در جامعه ما آسیب پذیر باشند(۳). طبق آمار رسمی در ایران از هر هزار مورد ازدواج حدود دویست مورد به طلاق منجر می‌شود(۴). در بررسی علت طلاق، علاوه بر عوامل اجتماعی، اقتصادی و حقوقی، توجه به علل روانشناختی و عاطفی از جمله میل به طلاق که منجر به طلاق می‌شود از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. مقصود از میل به طلاق، میزان تمایل و علاقه مندی زوجین به جدا شدن و گسستن روابط زناشویی طی مراحل قانونی است. این مفهوم دارای سه بعد شناختی، عاطفی و رفتاری است که در بعد شناختی، تصورات فرد در مورد طلاق را در بر می‌گیرد و در بعد عاطفی، شامل احساسات و عواطف مثبت و منفی فرد نسبت به طلاق است و سرانجام بعد رفتاری، میزان آمادگی رفتاری فرد را جهت طلاق یا علیه آن در بر می‌گیرد. با مطالعه عوامل مختلف در ایجاد میل به طلاق در زوجین ردپای تاثیر عواملی که ناشی از سبک آشنایی زوجین به هم می‌باشد به خوبی مشهود است.

از طرفی دیگر مفهوم سازگاری زناشویی جایگاه برجسته‌ای را در مطالعه ارتباطات خانوادگی و زناشویی به خود اختصاص داده است. سازگاری زناشویی را می‌توان به شکل فرایندی تعریف کرد که با پیامدهایی چون: دشواری در درک تفاوت‌های جنسی، اضطراب شخصی و بین فردی، رضایت‌مندی زناشویی و..... هم آیند است(۵). سازگاری زناشویی ضعیف، اثر منفی بر کیفیت زندگی و کارکرد جنسی دارد(۶). آنچه در خانواده و یگانگی زن و مرد نقش



و نهایتاً از سوی دیگر بدیهی است عدم شناساندن و تشریح ابعاد مختلف ازدواج‌های سنتی و غیرسنتی، باعث سردرگمی و سلیقه‌ای عمل کردن در حوزه انتخاب همسر خواهد شد و از آنجائیکه انتخاب همسر اولین و مهمترین قدم در راه شکل‌گیری نظام خانواده بعنوان با اهمیت‌ترین نهاد اجتماعی می‌باشد در نتیجه عدم آگاهی افراد داوطلب ازدواج و خانواده‌های آنها در این زمینه می‌تواند منجر به شکل‌گیری ازدواج‌های نامناسب و در نتیجه تشکیل خانواده‌های نامناسب گردد که در پی آن آسیب‌های مختلف فردی و اجتماعی مانند: افسردگی و اضطراب، پدیده طلاق، تربیت ناصحیح فرزندان و غیره را به دنبال خواهد داشت.

لذا این تحقیق با دست‌گذاشتن بر روی فاکتورهای تعیین‌کننده در یک ازدواج موفق، به بررسی و مقایسه بین دو سبک ازدواجی موجود پرداخته است تا در نهایت با شفاف‌سازی و تبیین این متغیرها در دو سبک ازدواجی سنتی و غیرسنتی به شکل‌گیری ازدواج‌های مناسب‌تر و تشکیل خانواده‌های سازگارتر و شادتر منجر شده و به پیشگیری از آسیب‌های مختلف فردی و اجتماعی ناشی از ازدواج‌های نامناسب مانند: طلاق، افسردگی، انواع روان‌نژندی‌ها در بین زوجین و فرزندان و عواملی که موجب لطمه زدن به امنیت جامعه می‌گردد کمک کند.

روش بررسی

این پژوهش از نوع توصیفی-تحلیلی بود. از آنجا که پژوهش حاضر بر روی افرادی صورت گرفته که ازدواج کرده بودند و از طرفی سبک ازدواج آنها مورد بررسی و مقایسه قرار گرفته لذا از روش فوق‌الذکر یعنی پس‌رویدادی استفاده گردید. جامعه آماری

بیشتری بر عهده دارد، سازگاری زناشویی می‌باشد. به همین دلیل بررسی مساله سازگاری زناشویی از جهات گوناگون چه ابعاد فردی و چه ابعاد اجتماعی امری مهم است.

در بعد فردی این مساله مهم است، چرا که اگر یک زوج در روابطشان با یکدیگر نتوانند به توافق نسبی و در نتیجه سازگاری برسند کارکردهای خانواده مختل می‌شود و شاید تنها راه حل آن جدایی باشد که این مسیر نیز پیامدهای منفی بسیاری برای هر یک از زوجین و فرزندان آنها در پی خواهد داشت. در بعد اجتماعی نیز این مساله اهمیت ویژه‌ای دارد زیرا اگر خانواده که کوچکترین واحد اجتماعی است دچار دگرگونی و آسیب شود بر کل جامعه تاثیر می‌گذارد و سلامت جامعه را با مخاطره روبرو می‌کند، فلذا بررسی عوامل تاثیرگذار بر روی سازگاری زناشویی از جمله نحوه شکل‌گیری پیوند زناشویی که ارتباط مستقیمی با سبک ازدواجی زوجین دارد حائز اهمیت می‌باشد. در حوزه شادکامی باید گفت شادکامی زوجین بعنوان شاخص مهم نشان‌دهنده موفقیت و تداوم یک ازدواج می‌باشد. درک مفهوم و بکارگیری مناسب شادکامی از موارد مهم روانشناسی مثبت‌گراست و مفهوم وسیعی است که تجربه هیجانهای مطلوب، سطوح پائین هیجانهای منفی و رضایت بالا از زندگی را در بر می‌گیرد. طبق نظر (۷) شادکامی از سه بخش اساسی، عاطفی، شناختی و هیجانی تشکیل شده است. به نظر آنها شادکامی متضاد با افسردگی نیست، اما شرط عدم افسردگی برای شادکامی لازم است. اما این نکته که نحوه آشنایی زوجین چه تاثیری بر میزان شادکامی زوجین داشته و در کدام گروه بیشتر است موضوعی است که از این منظر تا کنون به آن نگاه نشده است



است. بطوریکه امتیاز ۸۴-۲ پایین، ۹۹-۸۵ متوسط و ۱۵۸-۱۰۰ امتیاز بالا در این آزمون محسوب می شود.

از لحاظ روایی و پایایی: برآورد همسانی درونی با استفاده از فرمول اسپیرمن- براون بسیار خوب و ضریب همبستگی بین دو نیمه آن برابر ۹۰٪ بوده است.

"آزمون سازگاری لاک-والاس" برای گروه های شناخته شده و با نمرات متمایز کننده برای زوج های سازگار و ناسازگار از روایی بالا برخوردار است.

در مطالعه دیگر اعتبار بدست آمده با استفاده از دو روش آلفای کرونباخ و تصنیف به ترتیب برای کل پرسشنامه: ۷۱٪ و ۹۱٪ است که در آن پژوهش برای محاسبه روایی پرسشنامه از پرسشنامه شاخص رضایت زناشویی امان الهی استفاده شد که ضریب روایی بدست آمده بین این دو پرسشنامه برابر ۶۶٪ بدست آمد.

۲. آزمون شادکامی آکسفورد: به باور آرگایل و همکاران این پرسش نامه نقطه مقابل پرسش نامه افسردگی بک (BDI) است. ۲۱ پرسش از پرسش های این پرسشنامه از (BDI) برگرفته شده و معکوس گردیده و یازده پرسش به آن افزوده شده است تا سایر جنبه های سلامت ذهنی را پوشش دهد. فرم نهایی این پرسشنامه ۲۹ سئوالی است. از جهت نمره گذاری به گزینه الف امتیاز صفر، گزینه ب، امتیاز یک، گزینه ج، امتیاز دو و گزینه د، امتیاز سه تعلق می گیرد پایین ترین نمره هر فرد در این آزمون صفر و بالاترین آن ۸۷ است.

هیلز و آرگایل مقدار آلفا را برای پرسشنامه شادکامی آکسفورد در نمونه ۱۷۲ نفری ۹۲٪ گزارش نموده است.

این پژوهش شامل کلیه زنان و مردان متأهل ساکن شهر یزد که در سال ۱۳۹۲ در این شهر مشغول به زندگی بودند و حداقل ۲ سال از ازدواجشان گذشته و ازدواج غیر فامیلی داشتند بود.

نمونه گیری بصورت تصادفی خوشه ای انجام شد و در مجموع ۲۴۰ نفر به عنوان نمونه پژوهشی با استفاده از فرمول کوکران انتخاب شدند بطوریکه نمونه، از میان افراد جامعه مذکور به تعداد ۱۳۰ مورد ازدواج سنتی (مرد و زن) و ۱۱۰ مورد ازدواج غیرسنتی (مرد و زن) انتخاب شد. نمونه مذکور بصورت خوشه ای از بین مناطق مختلف شهرداری یزد و از بین ارگانهای دولتی، مراکز آموزشی و دانشگاهی، مراکز درمانی و درب منازل انتخاب گردید. در ابتدای پرسشنامه ها با استفاده از سوالات دموگرافیک مبنی بر داشتن یا نداشتن ارتباط و آشنایی قبلی همسر، نوع ازدواج مشخص شد و پس از جمع آوری داده ها بواسطه مقایسه ای بودن نوع پژوهش پس از مورد تایید قرار گرفتن پیش فرض نرمال بودن توزیع متغیرها، از آزمون t استفاده شد و با استفاده از نرم افزار SPSS داده ها مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفت.

در این پژوهش از پرسشنامه های زیر جهت جمع آوری داده های مورد نیاز استفاده شد.

۱. آزمون سازگاری زناشویی لاک-والاس: این ابزار ۱۵ سئوالی توسط لاک و والاس در سال ۱۹۵۹ ساخته شد، نمره ۱۰۰ یا کمتر از آن نمره برش محسوب می شود و دلالت بر ناسازگاری در روابط زناشویی دارد.

ارزش عددی سوالات این آزمون متفاوت است نمره آزمون برابر با حاصل جمع امتیازات هر سوال و دامنه آن از ۲ تا ۱۵۸



در بررسی فرضیه دوم: شادکامی در ازدواج های سنتی و غیر سنتی متفاوت است.

مشخص شد بین شادکامی در دو گروه ازدواج های سنتی و غیر سنتی نیز تفاوت معنی داری وجود ندارد ($p > 0/05$). در بررسی فرضیه سوم: میل به طلاق در ازدواج های سنتی و غیر سنتی متفاوت است.

مشخص شد بین میل به طلاق در دو گروه ازدواج های سنتی و غیر سنتی تفاوت معنی داری وجود دارد ($p < 0/05$)، بطوری که میل به طلاق در گروه ازدواج های غیر سنتی به صورت معناداری بیشتر از ازدواج های سنتی است.

در بررسی فرضیه چهارم: میزان شادکامی، سازگاری زناشویی و میل به طلاق در بین زنان و مردانی که ازدواج سنتی داشته اند متفاوت است.

مشخص شد بین هیچ کدام از متغیرهای شادکامی سازگاری زناشویی و میل به طلاق در دو گروه زنان و مردانی که ازدواج سنتی داشته اند تفاوت معنی داری وجود ندارد ($p > 0/05$).

در بررسی فرضیه پنجم: میزان شادکامی، سازگاری زناشویی و میل به طلاق در بین زنان و مردانی که ازدواج غیر سنتی داشته اند متفاوت است مشخص شد تنها بین متغیر سازگاری زناشویی در دو گروه زنان و مردانی که ازدواج غیر سنتی داشته اند تفاوت معنی داری وجود دارد ($p < 0/05$) بطوریکه سازگاری زناشویی در گروه مردان به صورت معناداری بیشتر از زنان است. البته در دو متغیر شادکامی و میل به طلاق نیز مشاهده می شود که تفاوت خیلی نزدیک به معنی داری می باشد و با درصد کمی تایید نشده

پایایی و روایی در ایران با ۱۱۰ دانشجوی دانشگاه علامه آزمون شده که آلفای ۹۸/۰ و پایایی تصنیفی ۹۲/۰ و پایایی بازآزمایی ۷۹/۰ بدست آمده است.

۳. آزمون میل به طلاق زارعی: این مقیاس که اولین بار توسط روزولت و همکاران (۱۹۸۶) طراحی شد توسط زارعی محمود آبادی در ایران در سال ۹۱ هنجاریابی شده است این مقیاس یک ابزار ۱۴ سوالی است و برای ارزیابی زوجین مستعد و متقاضی طلاق به کار می رود. این ابزار دارای ۲ خرده مقیاس است که هر کدام توسط ۷ سوال مورد سنجش قرار می گیرد. خرده مقیاس ها شامل: تمایل برای خارج شدن (تمایل به طلاق)، تمایل به مسامحه.

هر سوال در یک طیف درجه بندی ۷ تایی نمره گذاری می شود (۱=هرگز ۲=بندرت ۳=خیلی کم ۴=کم ۵=زیاد ۶=خیلی زیاد ۷=همیشه). نمره این پرسشنامه با جمع نمرات سوال ها بدست می آید.

پایایی آن با استفاده از آلفای کرونباخ برای کل نمونه ۰/۸۸ (۰/۸۹) برای زنان و ۰/۸۷ (برای مردان) بدست آمده و میزان اصلاح آلفای کرونباخ برای خرده مقیاسهای تمایل برای خارج شدن ۰/۸۹ و مسامحه ۰/۸۸ محاسبه گردیده است.

یافته ها

در بررسی فرضیه اول: سازگاری زناشویی در ازدواج های سنتی و غیر سنتی متفاوت است

مشخص شد بین سازگاری زناشویی در دو گروه ازدواج های سنتی و غیر سنتی تفاوت معنی داری وجود ندارد ($p > 0/05$).



در بین زنان و مردان با ازدواج سنتی در جدول ۲ و در مورد زنان و مردان با ازدواج غیر سنتی در جدول ۳ نشان داده شده است. بطوریکه در جدول آمده است در ازدواج‌های سنتی تفاوت معناداری بین متغیرهای مورد بررسی در بین زنان و مردان وجود ندارد ولی در ازدواج‌های غیر سنتی مردان سازگاری زناشویی بالاتری را نسبت به زنان هم گروه خود نشان دادند.

است بطوریکه شادکامی در مردان بیشتر و میل به طلاق در آنان کمتر است. مقایسه نتایج میانگین و انحراف معیار متغیرهای پژوهش در دو گروه ازدواج‌های سنتی و غیر سنتی در جدول ۱ آورده شده است، همانطور که مشخص است میانگین شادکامی و سازگاری زناشویی در مردان بیشتر و میانگین میل به طلاق در زنان بیشتر می باشد. همچنین نتایج آزمون t مربوط به متغیرهای پژوهش

جدول ۱: میانگین و انحراف معیار شادکامی، میل به طلاق و سازگاری زناشویی زنان و مردان در دو گروه ازدواج‌های سنتی و غیر سنتی

گروه	جنسیت	شادکامی		میل به طلاق		سازگاری زناشویی	
		میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار
ازدواج سنتی	زنان	۴۴/۹۴	۱/۲۹	۴۰/۱۰	۱۴/۱۱	۸۶/۳۶	۱/۲۹
	مردان	۴۷/۹۶		۳۶/۳۸		۹۱/۳۸	
ازدواج غیر سنتی	زنان	۴۶	۱/۳۳	۴۴/۱۳	۱۴/۲۴	۸۲/۱۲	۲/۹۰
	مردان	۵۰/۹۱		۴۰/۳۰		۹۷/۱۶	

جدول ۲: آزمون تحلیل t مربوط به دو گروه مستقل برای مقایسه شادکامی، سازگاری زناشویی و میل به طلاق در بین زنان و مردان

با ازدواج سنتی

متغیر	تعداد	میانگین	تحلیل t	درجه آزادی	معناداری
شادکامی	زنان	۴۴/۹۹۳	-۱/۲۸	۱۲۷	۰/۲۰۱
	مردان	۴۷/۹۵			
سازگاری	زنان	۸۶/۳۵	-۰/۹۴۳	۱۲۷	۰/۳۴۷
	مردان	۹۱/۳۷			
زناشویی	زنان	۴۰/۰۹	۱/۴۵۵	۱۲۷	۰/۱۴۸
	مردان	۳۶/۳۷			



جدول ۳: آزمون تحلیل t مربوط به دو گروه مستقل برای مقایسه شادکامی، سازگاری زناشویی و میل به طلاق در بین زنان و مردان با

ازدواج غیر سنتی

متغیر	تعداد	میانگین	تحلیل t	درجه آزادی	معناداری
شادکامی	زنان	۶۷	۴۹	۱۰۸	۰/۰۶۱
	مردان	۴۳	۵۰/۹۰		
سازگاری	زنان	۶۷	۸۲/۱۱	۱۰۸	۰/۰۰۷
	مردان	۴۳	۹۷/۱۶		
زناشویی	زنان	۶۷	۴۴/۳۳	۱۰۸	۰/۱۷
	مردان	۴۳	۴۰/۳۰		
میل به طلاق					

بحث و نتیجه گیری

نتایج پژوهش حاضر نشان داد بین سازگاری زناشویی و شادکامی در ازدواج‌های سنتی و غیر سنتی تفاوت معناداری وجود ندارد این نتیجه با یافته‌های ایرانی و مظاهری (۹،۸) مبنی بر عدم تفاوت معنی دار در رضایت زناشویی در ازدواج‌های سنتی و غیر سنتی مطابقت دارد. ولی این نتیجه با برخی از پژوهش‌های پیشین تناقض دارد. به نظر می‌رسد دلیل این امر می‌تواند این باشد که در ازدواج‌های سنتی میزان حمایت اجتماعی و نیز تقیدات مذهبی بیشتر باشد (۱۰،۱۱). می‌توان گفت سازگاری زناشویی تا حدی در گرو عوامل شخصیتی و توانایی زوج‌ها در حل مسائل همیشگی و دائمی زندگی است و اکثر پژوهش‌ها مثل ملازاده و شکرکن (۱۵) - (۱۲) سازگاری زناشویی را متأثر از عوامل شخصیتی می‌دانند.

در زمینه شادکامی این نتیجه با یافته‌های ایرانی و مظاهری (۹،۸) همسو است. به نظر می‌رسد دلیل این امر این باشد که شادکامی امری چند عاملی است و یک عامل به تنهایی نمی‌تواند موجبات

پیدایی آن را فراهم کند که مهمترین مولفه در سازگاری و به دنبال آن شادکامی در زوجین می‌تواند عوامل شخصیتی باشد (۱۵، ۱۴، ۱۳).

همچنین نتایج نشان داد میل به طلاق در ازدواج‌های غیر سنتی بیش از ازدواج‌های سنتی می‌باشد این نتیجه با یافته‌های سایر مطالعات مبنی بر تفاوت در سازگاری زناشویی در ازدواج‌های سنتی و غیر سنتی همخوانی دارد (۱۱، ۱۶، ۱۹). به نظر می‌رسد علت این تفاوت‌ها در موفقیت یا عدم موفقیت در ازدواج‌های غیر سنتی بیشتر به خاطر تفاوت در فرهنگ‌های موجود در جامعه و خانواده‌ها و میزان حمایت آنها، تفاوت در شخصیت افراد و مدت زمان آشنایی افراد با یکدیگر، تفاوت در دلایل ازدواج و تفاوت در دیدگاه نسبت به ازدواج، عوامل موقعیتی و... است. در واقع میل به طلاق یک پدیده چند عاملی است و یک عامل به تنهایی نمی‌تواند موجبات پیدایی آن را فراهم کند. در میل به طلاق چند عامل به هم می‌پیوندند و شبکه‌ای پیچیده را فراهم می‌آورند به گونه



عبارتی عقلانی تر انتخاب می کنند و معمولاً نقاط قوت و ضعف انتخاب خود را بیشتر در نظر می گیرند و با آمادگی و پذیرش آن، بعد از ازدواج با مشکلات کمتری مواجه می شوند و سازگاری و انعطاف بیشتری از خود نشان می دهند. با مروری بر پژوهشهای حاضر به نظر می رسد نقش جنسیت در میزان سازگاری زناشویی حائز اهمیت بوده بطوریکه اکثر پژوهشهای مرتبط با سبک آشنایی زوجین میزان بالاتری از رضایتمندی را در مردان با آشنایی قبلی نشان می دهند. در مورد دیگر متغیرهای مورد بررسی، به نظر می رسد متغیرهای شادکامی و میل به طلاق دارای ابعاد مختلفی هستند که علاوه بر جنسیت عوامل تأثیرگذار مهم دیگری نیز در آن ها دخیل هستند و در واقع شادکامی و میل به طلاق پدیده های چند عاملی هستند. از سوی دیگر در رابطه با سبک ازدواج به نظر می رسد بعلت نوظهور بودن ازدواجهای غیر سنتی در جامعه ما و در نتیجه ناآگاهی جوانان در خصوص ایجاد رابطه صحیح برای آشنایی جهت ازدواج آسیبهای این سبک ازدواجی در حال حاضر قابل توجه بوده و به همین دلیل میل به طلاق در این نوع ازدواجها بطور معنا داری بیش از ازدواجهای سنتی است از طرفی در ازدواجهای سنتی عدم انتخاب مستقیم زوجین شادکامی کمتری را برای آنها رقم می زند فلذا به نظر می رسد انتخاب آگاهانه زوجین تحت نظارت والدین گزینه مناسبتری جهت ازدواج باشد. نهایتاً در یافته های جانبی اطلاعات زیر به دست آمد:

- سازگاری زناشویی مردان بطور معنی داری بیش از زنان است
($p < 0/05$).

- شادکامی مردان بطور معناداری بیش از زنان است ($p < 0/05$)

ای که در نوع خود منحصر به فرد است (۲۰) و توجه به عوامل شخصیتی و بین فردی نیز در میل به طلاق و موفقیت یا عدم موفقیت در ازدواج چه به صورت سنتی و چه به صورت غیر سنتی نیز مؤثر است.

در این پژوهش همچنین نشان داده شد بین شادکامی، میل به طلاق و سازگاری زناشویی در بین زنان و مردانی که ازدواج سنتی داشته اند تفاوت معنا داری وجود ندارد. در تبیین این فرضیه می توان گفت جامعه ما در حال گذار به دنیای مدرن و حرکت از دنیایی کهن به جامعه ای جدید است. وجود هنجارهای متفاوت، سردرگمی خاصی را در روابط زن و مرد ایجاد نموده است، که از ویژگی های این دوره است بطوریکه هنجارهای جامعه در مورد ازدواج به روشنی و ثابت تعریف نشده است (۲۱، ۲۲) بنابراین نمی توان وجود عدم تفاوت در میزان شادکامی، سازگاری زناشویی و میل به طلاق در زنان و مردان را صرفاً ناشی از ازدواج سنتی دانست. از طرف دیگر در زنان و مردان با ازدواج غیر سنتی تفاوتی در شادکامی و میل به طلاق تفاوتی مشاهده نشد ولی در سازگاری زناشویی مشخص شد سازگاری زناشویی در مردان با ازدواج غیر سنتی بیش از زنان با ازدواج غیر سنتی است. در همین راستا پژوهش های اولسون (۲۳) نشان داد که مردان رضایتمندی و سازگاری زناشویی بیشتری نسبت به زنان دارند و کمتر اقدام به طلاق می کنند و جنسیت عامل مهمی در تفاوت میزان رضایتمندی زناشویی زوجین است. ، مردانی که خود همسرشان را انتخاب می کنند معمولاً در مقایسه با زنان در انتخاب خود علاوه بر احساسات جنبه های مهم دیگری را نیز در نظر می گیرند و یا به



جوانان در انجام یک ازدواج موفق و شناساندن نقش والدین در موفقیت ازدواج جوانان.

۴- با توجه به مرحله گذار از ازدواج سنتی به غیرسنتی و عدم آگاهی جوانان، گاهی روابط قبل از ازدواج با اشتباهاتی همراه است. اطلاع رسانی و بیان اهمیت مشاوره قبل از ازدواج و نقش آن برای والدین و جوانان لازم و ضروری است.

۵- با توجه به شناسایی عوامل پیش بینی کننده طلاق و عدم سازگاری زناشویی، آموزش موارد مطروحه در این پژوهش به زوجین متقاضی ازدواج می تواند گامی موثر در پیشگیری از شکل گیری ازدواج های ناموفق و به تبع آن خانواده های بدکار و آسیب های اجتماعی گردد.

۶- آموزش مهارت های ارتباطی به جوانان جهت جلوگیری از افتادن در دام وابستگی های عاطفی و جنسی در دوران آشنایی پیش از ازدواج.

۷- آموزش به والدین جهت انعطاف پذیری و دادن آزادی های مشروع به جوانان برای آشنایی کامل قبل از ازدواج و اهمیت دادن به نظر و خواسته جوان جهت انتخاب گزینه مورد نظر خود و البته نظارت والدین بر دوران آشنایی فرزندان جهت ازدواج.

- میل به طلاق زنان بطور معنی داری بیش از مردان است ($p < 0/05$).

لازم به ذکر است انجام پژوهش مذکور با محدودیتهایی همراه بود که در زیر به آنها اشاره می شود:

۱- این پژوهش در شهر یزد انجام شده لذا تعمیم نتایج به شهرهای دیگر باید با احتیاط صورت گیرد.

۲- دشواری در جلب همکاری برخی از زوجین در پاسخ دهی کامل به پرسشنامه و مقاومت بعضی آزمودنی ها در مصاحبه اولیه در مورد نحوه ی آشنایی.

۳- نبود یک تعریف جامع از ازدواج سنتی و غیر سنتی و تفاوت این تعریف در فرهنگ ها و جوامع مختلف که این امر موجب کمبود منابع داخلی و خارجی در مورد این متغیر می شد.

در پایان پیشنهاداتی کاربردی در ارتباط با موضوع پژوهش ارائه می گردد:

۱- برگزاری سخنرانی ها و سمینارهایی در مورد مهارت های اجتماعی، باورهای شناختی، سلامت روان، عوامل افزایش رضایت زناشویی، شادکامی و آسیب شناسی ازدواج برای زوجین.

۲- افزایش آگاهی خانواده ها در مورد فرهنگ و شرایط کنونی جامعه نسبت به ازدواج و افزایش آگاهی در جهت کمک به

References

- 1-Shahidi M, Yousefi F. (1999). Evaluating the marriage criteria of students of Shahrekord University of Medical Sciences, *Medicine and Purification*(1999);43:4-8 [Persian]



- 2-Fatehizadeh M, Ahmadi A. Investigating the relationship between communication patterns of marriage and marital satisfaction among the couples employed at University of Isfahan. *Journal of Family Studies*.2005;1(120):2-8 1(120), [Persian]
- 3-Kazemipour S. Modern or traditional marriage? Website of initiation, number 784, Retrieved on November 19th, 2006 from <http://www.ebtekarnewz.com>. [Persian]
- 4- Bahari S. A study on the marital satisfaction of marriages among university students and the effective factors on these marriages. *Quarterly Journal of New Ideas in Education*,2007;40: 4-27. [Persian]
- 5-Spanier G B. Measuring dyadic adjustment: New scales for assessing the quality of marriage and similar dyads. *Journal of Marriage and the Family* 1976;38:15-28.
- 6-Halvorsen J G, Metz M E. .Sexual dysfunction. II. Diagnosis, management, and prognosis. *Journal of American Board of Family Practice*,1992;5:177-192.
- 7-Argyle M. (2003). *Psychology and religion: An introduction*. London: Rutledge. A closer look at the link between marital discord and depressive symptomatology. *Journal of Social and Clinical Psychology*2003;13:33-41.
- 8-Irani N. Comparison of marital satisfaction in traditional and non-traditional marriages of students of Science and Research University (Faculty of Humanities).[Ms thesis] azad University, Science and Research Branch, Fars.2004 [Persian]
- 9-Mazaheri M Heidari M,Pouretamad, H. Comparison of the mental health of university students participating in university marriage celebrations and that of ordinary couples. *Journal of Psychology* 1382; 72: 25-52. [Persian]
- 10-Yancey R J Resilience and adjustment to marriage. Unpublished doctoral dissertation. New Mexico State University, United States.2007
- 11- Ahmadi K Fathi-Ashtiani A, & Arabnia A. Examining the relationship between religious adherence and marital adjustment. *Quarterly Journal of Family Research*2006;, 5: 55- 67. [Persian]
- 12-Mollazadeh J.The relationships among marital adjustment, personality factors and coping styles in Shahed children. Doctoral dissertation, Tarbiat Modarres University, Tehran.2002 [Persian]



- 13-Shakerian A., Nazari A, Ebrahimi P, Fatemi A, Danayi D. The relationship between similarities and differences in personality traits, and marital adjustment. *Journal of Behavioral Sciences*,2012, 3. [Persian]
- 14-Amanollahi-Fard A, Attari Y. An investigation into the relationship between personality characteristics, interpersonal- family factors and marital satisfaction in the staffs of Ahwaz governmental departments. Unpublished master's thesis in Counseling, Faculty of Education and Psychology, Shahid Chamran University of Ahwaz.2005 [Persian]
- 15-Shokrkon H, Khojastehmehr R, Attari Y A, Shahni-Yeylagh, M. Personality traits, social skills, attachment styles and demographic variables as predictors of success and failure of marital relationship in couples seeking divorce in Ahwaz. *Shahid Chamran University Journal of Educational Psychology*,2006; 13 (1): 1-30. [Persian]
- 16-Sobhi A. Comparison of intimacy in traditional and non-traditional marriages in view of women, Islamic azad University, Rudehen Branch 2002. [Persian]
- 17-Esmaeeli, B .An investigation into the extents and causes of marital adjustment among students of Shahrekord University. Master's thesis, Tehran, University of Teacher Education.1995 [Persian]
- 18-Fathi-Ashtiani A , Ahmadi , K.A study on the successful and unsuccessful arriages among university students, Daneshvar Raftar , *Scientific Research Journal of hahed University*,2004; 11 (7): 9-16. [Persian]
- 19-Jahangirzadeh, J, Mansourian M K .Review of social- economic bases of mate-selection among university students. Shiraz University, Graduate School.1996 [Persian]
- 20-Saroukhani B. Divorce: Research in recognition of the fact and factors influencing it.2nded Tehran: Tehran University Press; 1997 [Persian]
- 21-Riahi M. Aliverdina A, & Bahrami-Kakavan S. (2007). Sociological analysis of tendency toward divorce (Case Study: Kermanshah city). *Journal of Research on Women*,2007; 5 (3): 109-114. [Persian]
- 22-Jalilian Z.Social factors that influence asking for divorce in Tehran.[msc thesis] Allameh Tabatabai University.1996 [Persian]
- 23-Olson D H.The relationship between communication skills and marital satisfaction. *Journal of Marriage and Family*,2004; 59 (4): 889-919.



Comparative Study of Marital Adaptation, Happiness and Divorce Inclination in Traditional and non Traditional Marriages

Faryabi F (MA)¹, Zareii Mahmood-Abadi H (Ph.D)²

1. Corresponding Author : MA student of Counseling department of counseling, college of human science ,yazd scienc Research Branch, Islamic Azad University,yazd,iran

2. Assistant Professor, department of Family Counseling- Yazd University,yazd.iran

Abstract

Introduction: The purpose of the present study was to compare couples with traditional and non traditional marriages in Yazd city in terms of their marital adjustment, happiness, and desire to divorce. The research population consisted of all couples in Yazd city from which Methods: the research sample was drawn. This sample consisted of 240 subjects (including 130 cases of traditional and 110 cases of non-traditional marriages) who were selected through cluster random sampling. For the purposes of data collection, three sets of questionnaires including Locke-Wallas marital adjustment test, Oxford happiness questionnaire and the questionnaire developed by Zareii for desire to divorce were used. The present study followed a non-experimental vausal comparative (ex post facto) method. The obtained raw data were analyzed applying T tests.

Results: The findings showed that there were differences between the means of traditionally and non traditionally married couples in terms of happiness and marital adjustment (i.e. higher levels of happiness in non traditional marriages and higher levels of marital adjustment in traditional marriages), but these differences were not significant ($P > .05$). However, there were significantly higher levels of desire to divorce in non-traditionally married couples compared to their traditionally married counterparts ($P < .05$). Further, considering gender as the focused variable, there were not any significant differences between men and women who had traditional marriages in terms of happiness, marital adjustment and desire to divorce. In addition, men and women who had non traditional marriages were not significantly different in terms of happiness and desire to divorce ($P > .05$). Yet, those men and women who had nontraditional marriages were significantly different in terms of marital adjustment in the sense that men had higher levels of marital adjustment in comparison with women.

Conclusion: These findings indicate the necessity of premarital education for families especially those with young people who are on the verge of marriage.

Keywords: marital adaptation, happiness, divorce inclination, traditional marriage, non traditional marriage